

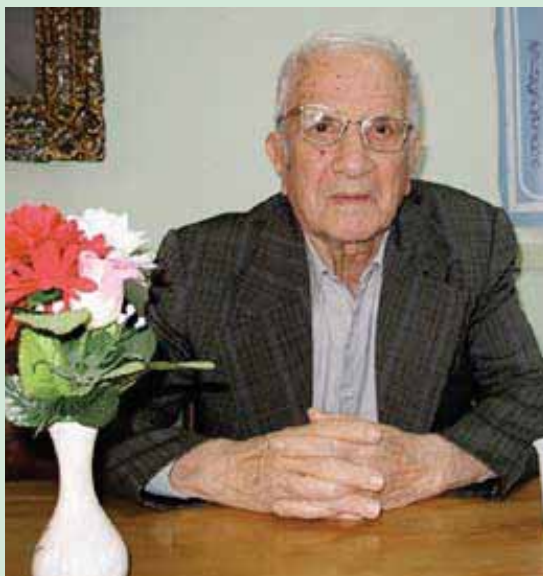


مردی که تاریخ را دوست داشتنی کرد

دکتر عزیزالله بیات، استاد تاریخ دانشگاه‌های کشور و مولف ده‌ها کتاب و مقاله با موضوع تاریخ ایران درگذشت. وی در ۱۲۹۹ در شهرستان نهاوند به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در این شهر و تحصیلات متوسطه را در همدان گذراند و موفق به اخذ دیپلم شد. او تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشسرای عالی تهران گذراند و مدرک کارشناسی‌اش را در سال ۱۳۲۳ گرفت.

دکتر بیات در سال ۱۳۳۲ به علت نزدیک بودن کرمانشاه به نهاوند از طرف اداره فرهنگ جهت تدریس به کرمانشاه عزیمت کرد و به مدت ۲۰ سال در این شهر زندگی کرد. وی با استفاده از بورس تحصیلی که به کارمندان تعلق داشت، عازم فرانسه شد و در سال ۱۳۴۸ موفق به اخذ مدرک دکترای رشته تاریخ و جغرافیا از دانشگاه پل سایاته فرانسه شد.

دکتر بیات عضو هیات علمی و استاد دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۰، رئیس اداره چهارم کارگزینی و رئیس اداره مطالعات و برنامه‌ها در وزارت آموزش و پرورش بود. وی در سال‌های اخیر به تدریس دروس تاریخ تمدن اسلام و گاهشماری در دانشگاه‌های شهید بهشتی، دانشگاه الزهراء، دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه آزاد اسلامی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری می‌پرداخت. از تالیفات دکتر بیات می‌توان به آثار باستانی کرمانشاه، از ظهور اسلام تا دایلمه، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض پهلوی با تجزیه و تحلیل منابع و مآخذ، تاریخ تطبیقی ایران (از سلسله ماد تا پهلوی) با تمام دنیا، تاریخ مختصر ایران - تاریخ منابع و مآخذ ایران، تاریخ ایران - تحریر و تحشیه تاریخ گیتی‌گشای نامی، جغرافیای محلی کرمانشاه و زمینه‌های پیشرفت و پیروزی‌ها و شکست‌های ایران اشاره کرد. مطلبی که در ذیل می‌آید یادداشت‌های ۲ نفر از استادان دانشگاه شهید بهشتی و همکاران آن استاد مرحوم در مورد ویژگی‌های شخصی و تسلط ایشان بر موضوعات مختلف تاریخی است.



دکتر محمد حاجی تقی*

نیز در این مورد خاطر نشان کرد: بنده توفیق آن را داشته‌ام که سالیانی در محضر استاد دکتر عزیزالله بیات شاگردی کنم. آنچه را در این مدت در استاد ممتاز و کم‌نظیر یافتیم نظمی بود که ۶۰ سال بدون تزلزل تداوم یافت و گذر عمر در آن رخنه‌ای ایجاد نکرد.

شخصیتی بدون تکلف و تعارف‌های معمول بود و در برخورد با همکار و دانشجو صراحت و صداقت داشت. به‌طوری که در مواردی برخورد بدون ملاحظه و پرهیز استاد با دانشجویان با بنیه ضعیف علمی باعث رنجش این گونه دانشجویان می‌شد. در عین حال از هیچ فرصتی برای تشویق و تایید دانشجوی کوشا و عالم فروگذار نبود. ژرف نگری و نکته‌سنجی را در آثار او بخوبی می‌توان دید. وی جزوه‌هایی را برای پژوهش برمی‌گزید که حقیقتاً در بین تاریخ‌نگاران معاصر پیشرو و نو بودند. منبع‌شناسی تاریخ ایران و اسلام، تاریخ تطبیقی و گاهشماری و ارائه دوره‌ای فشرده و مستند از تاریخ ایران برای دانشجویان این علم، از جمله پژوهش‌های بدیع و مستند او بودند و از دانش گسترده استاد در علم تاریخ و علوم جنبی چون نجوم، ریاضی، شعر و ادب حکایت می‌کرد. استناد از متفکرانی بود که حضور در محضرش خالی از ذکر حق یا ارشاد به نکته‌ای اخلاقی یا تربیتی نبود.

* استاد یار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمد علی اکبری*

دکتر عزیزالله بیات استاد مسلم تاریخ و عالمی سترگ از تبار دانشوران سرافراز این آب و خاک دانش‌پرور بود. بی‌شک افتخار هر دانشجوی تاریخ این است که زمانی را در محضر استاد به تلمذ زانوی ادب زده باشد و از خرمن خرمن دانش و فضل او، دامن دامن معرفت اندوخته باشد. دکتر بیات از جمله نوادری بودند که نه تنها طالبان معرفت از چشمه سارشان سیراب می‌شدند بلکه جان مشتاقان نیز از زلال حسن خلق و نفس مهذبشان بهره‌ها می‌برد.

استاد بیات از قبیله انسان‌های فرهیخته‌ای بود که هر چه بر عمرش افزوده می‌شد حرص و ولعش برای دانش اندوختن و شاگرد پروراندن بیش از پیش می‌شد. شاگردان دکتر بیات در قامت استاد خود، پایمردی دانش‌پژوهی را به نظاره می‌نستند و از این همه عطش برای آموختن و آموزش دادن، درس «ز گهواره تا گور دانش بجوی» را در عمل می‌آموختند.

دکتر بیات به دانشجویان خود می‌آموخت که مهر و عشق به این آب و خاک را در جان و دل خویش دمداد زنده نگاه دارند و نیک بدانند که در این سرزمین، مردان و زنان سترگ و باشرفی بالیده‌اند و برای ایران و ایرانی سرفرازی و سربلندی در جهان ببار آورده‌اند.

به روایت استاد ماحشافت و عظمت ایرانی، در طول تاریخ

کتاب شناخت

مطالعاتی درباره تاریخ، زبان و فرهنگ

آذربایجان

نوشته: فیروز منصوری

چاپ سوم: ۱۳۸۷



قفقاز و سرزمین‌های آن که برای هزاران سال بخشی از پیکر سرزمین ایران بودند با شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس که به دلیل عقب‌ماندگی نظامی ایران و خیانت‌های مشاوران انگلیسی روی داد از ایران جدا شدند و از آن پس با پیشرفت روند ملت‌سازی در این کشورها، گرایش‌هایی به تاریخ‌سازی و توسعه‌طلبی میان سیاستمداران و تاریخ‌نگاران دولتی سرزمین‌های قفقاز پدید آمد.

آنچه این پژوهش را در اندازه‌های یک پژوهش برتر مطرح می‌سازد، بهره‌گیری نویسنده آن از چندصد منبع تاریخی، فارسی، عربی، ترکی، ترکی با خط قدیم، ترکی با خط لاتین و انگلیسی است که شرح آنها در کتابنامه‌های جداگانه‌ای در پایان کتاب آمده است. گفتارهای خواندنی این کتاب بسیارند، اما از میان آنها می‌توان برخی را دارای ارزش بیشتری دانست.

از جمله مقاله‌های: «مناسبات سیاسی چندصدساله فرمانروایان آذربایجان با ارمنستان تا ورود سلجوقیان به تبریز»، «جنگ‌های ایران و عثمانی در قفقاز و آذربایجان»، «جنگ‌های چهارساله ایلات شاهسون و شقاقی با عثمانی‌ها»، «تهاجم فرهنگی روسیه به شهرهای قفقاز»، «برنامه‌های استعمارگران برای آذربایجان» «مسیون‌های آمریکایی در ایران»، «چگونه مسیون‌های آمریکایی، نستوریان پروتستان را تابع کلیسای ارتدوکس روسیه کردند؟» و... بی‌گمان کتاب «مطالعاتی درباره تاریخ، زبان و فرهنگ آذربایجان» از مهم‌ترین منابع برای شناخت قفقاز و همسایگان آن به‌شمار می‌رود. این کتاب را نشر هزار در یک دوره ۲ جلدی و ۹۶۴ صفحه و با بهای ۲۸۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

آذربایجان واران

نوشته: عنایت‌الله رضا

چاپ سوم: ۱۳۹۰



ژوئن ۱۹۱۸ میلادی سران حزب مساوات در سرزمینی که در شمال رودخانه ارس و در قفقاز جای دارد و امروزه دولت جمهوری آذربایجان بر آن فرمان می‌راند، دولتی تازه تاسیس کردند. آنان نام این دولت نوپیدا را دولت آذربایجان نهادند؛ در حالی که از دوران باستان تا به آن روز، در همه متن‌های تاریخی، جغرافیایی و در مجموعه مفاهیم «جغرافیای تاریخی»، تاریخ‌نگاران و جغرافیدانان از این سرزمین با نام‌هایی همچون «اران»، «آلبانیای قفقاز»، «آغوان» و «آلوان» یاد می‌کردند.

در آغاز، تغییر نام سرزمین اران و نهادن نام «آذربایجان» روی آن، از سوی ایرانیان و مردمان آذربایجان واکنشی را برنیاخت؛ اما در سال‌های بعد که نیت پنهان این تغییر نام بر ایرانیان و مردمان آذربایجان روشن شد، اعتراض‌ها بالا گرفت و کار به جایی رسید که گروهی از آزادیخواهان آذربایجان به پیشگامی شیخ محمد خیابانی و حاجی اسماعیل آقا امیرخیزی پیشنهاد کردند نام سرزمین همیشه ایرانی به آذربایجان تغییر کند. از آن میان، امیرخیزی پیشنهاد کرد که چون آذربایجان در راه پیروزی جنبش مشروطیت جانفشانی‌ها کرده‌اند، نام تازه «آزادبستان» را بر آذربایجان بگذارند. نزدیک به ۳۰ سال پیش، دکتر عنایت‌الله رضا، تاریخ‌نگار برجسته معاصر برای روشن کردن پیشینه تاریخی و مرزهای جغرافیایی سرزمین ایرانی آذربایجان در جنوب رودخانه ارس و سرزمین اران (جمهوری آذربایجان امروز) پژوهش‌های خود در این زمینه را در کتاب «آذربایجان و اران» منتشر کرد. او در ۸ بخش این کتاب، پیشینه تاریخی و جغرافیایی این دو سرزمین را بررسی کرد. کتاب آذربایجان و اران از سوی نشر هزار در ۲۸۸ صفحه منتشر شده است.

تجزیه قفقاز

نوشته: هوشنگ طالع

چاپ اول: ۱۳۸۷



این کتاب، دفتر چهارم از مجموعه‌ای ۶ جلدی به نام «تاریخ تجزیه ایران» است که هدف از تالیف آن، شناساندن بزرگ‌ترین «تجزیه سرزمینی در تاریخ جهان» است. در روند شکل‌گیری این تجزیه شوم، دوسوم از پهنه ایران به دست روسیه و با خیانت‌های انگلستان از پیکر آن جدا شد.

دکتر هوشنگ طالع، پژوهشگر معاصر در این کتاب، تجزیه سرزمین‌های قفقاز از ایران را از روزگار تاسیس دولت ملی در دوره صفویان ریشه‌یابی می‌کند در روزگاری که ۴ قدرت مهاجم در پیرامون ایران سربر آورده بودند؛ دولت عثمانی، دولت روسیه تزاری، دولت انگلستان و دولت امپراتوری هندوستان. در صفحات این کتاب، پژوهشگر با ارائه سندهای سیاسی، همچون پیمان‌نامه‌ها، نامه‌های تاریخی و فرمان‌های تاریخی می‌کوشد روند این تجزیه را به تصویر بکشد.

نام گفتارهای کتاب به این شرح است: ۱- ایران در چالش با چهار قدرت بزرگ ۲- برآمدن نادر: بازسازی دولت فراگیر ملی ۳- آقامحمدخان: دوباره‌سازی دولت فراگیر ملی ۴- نبردهای روسیه علیه ایران ۵- ایران در پی متحدان ۶- پایان بدفرجام «اتحاد»، تجزیه بخش‌هایی از قفقاز ۷- تلاش سیاسی در راه بازگشت سرزمین‌های اشغالی ۸- میان دو جنگ ۹- تجزیه سرتاسر قفقاز. بخشی با نام «پیوست» در پایان کتاب آمده که در آن سی و یک سند سیاسی به کتاب پیوست شده است؛ از راهبرد (وصیت‌نامه) پتر کبیر تا عهدنامه‌های سیاسی میان ایران و دولت‌های بیگانه تا متن قراردادهای ننگین گلستان و ترکمانچای و نامه‌های تاریخی شاهان ایران به مردمان قفقاز. کتاب «تجزیه قفقاز» در ۳۷۴ صفحه و با بهای ۶۹۰۰ تومان از سوی انتشارات سمرقند منتشر شده است.